

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

تنبیه پنجم:

صورت نخست - فرض دوم: بحث در این است که در موردی که ما علم اجمالی داریم به اینکه یا این ظرف آب نجس است و یا این تراب نجس است؛ و فرض این است که اثر شرعی دیگری علاوه بر آنچه در ماء است، اینجا وجود دارد که همان جواز سجده باشد، برخلاف آن فرض اول که بحثش را گذرانیدیم و نتیجه اش روشن شد.

در اینجا که يك اثر شرعی دومی بر این تراب به نام جواز سجده مترتب است، نتیجه این است که اصالة الطهاره ي در ماء با اصالة الطهاره ي در تراب تعارض و تساقط می کند، اما بحث در این است که بعد از تعارض و تساقط آیا در اینجا عنوان فاقد الطهورين را پیدا می کند؟ باید همان حکمی که در فاقد الطهورين وجود دارد اینجا جریان پیدا کند یا باید بین وضوء و تیمم جمع کند؟

دیروز بیان کردیم که مرحوم آقای خوئی قدس سره معتقدند که در اینجا چون تحصیل طهارت یقینی ممکن است باید جمع کند بین الوضوء و التیمم. و در توضیح این نظریه شان می فرمایند ما در اینجا دو علم اجمالی داریم، علم اجمالی به اینکه یکی از این دو تا نجس است یا این ظرف آب نجس است و یا این تراب، این يك علم اجمالی. علم اجمالی دوم به این است که یا وضو بر ما واجب است، اگر آب پاك باشد، یا تیمم بر ما واجب است اگر آب نجس باشد، این هم علم اجمالی دوم است.

مقتضای علم اجمالی اول «عدم الإكتفاء بكل منهما في الامتثال» است وقتی علم اجمالی داریم به اینکه یکی از اینها نجس است مقتضای این علم اجمالی این است که اگر فقط آمد وضو گرفت برای امتثال کافی نیست، اگر فقط آمد تیمم کرد برای امتثال کافی نیست. می فرمایند این مقتضای علم اجمالی اول است و مقتضای علم اجمالی دوم که علم اجمالی داریم یا وضو واجب است یا تیمم، جمع بین این دو تاست، هم باید وضو بگیرد و هم تیمم کند، لذا می فرمایند چون دو تا علم اجمالی اینجا وجود دارد و موافقت قطعیه هم ممکن است، لذا در اینجا هم باید وضو بگیرد و هم تیمم کند، منتهی برای اینکه مشکلی پیش نیاید اول تیمم کند و بعد وضو بگیرد؛ چون اگر اول وضو بگیرد و بعد تیمم کند، می فرمایند علم تفصیلی به فساد این تیمم داریم، برای اینکه اگر آب پاك باشد، آن وضو درست است و مجالی برای این تیمم نیست! اگر آب نجس باشد اعضا و مواضع تیمم نجس شده و در صحّت تیمم شرط است که مواضع تیمم پاك باشد، این خلاصه ی فرمایش ایشان است که مسئله را می برند روی دو تا علم اجمالی و بعد می گویند موافقت قطعیه ممکن است، بعد هم می فرمایند اول تیمم و بعد وضو.

اولاً روی مبنایی که خودشان تا اینجا طی کردند ما به ایشان عرض می کنیم اگر واقعاً می خواهی موافقت قطعیه شود این شخص باید تیمم کند نماز بخواند و بعد وضو بگیرد دوباره نماز بخواند، برای اینکه اگر واقعاً خاك پاك باشد و این آب نجس باشد با بدن نجس وارد نماز می شود و شما اگر دنبال موافقت قطعیه هستید احتیاطش این است که اول تیمم کند نماز بخواند، دو مرتبه وضو بگیرد و نماز بخواند، دو تا نماز باید به جا بیاورد که آن وقت یقین پیدا می کند یکی از اینها صحیحاً و مطابق با واقع است. اگر

آب نجس بوده وضوي او هم باطل است و نمازش هم اشكال دارد اما با تیمم قبلي با بدن طاهر وارد نماز مي‌شود، اين اولین اشكالي است که مي‌شود بر ايشان کرد که اگر شما دنبال موافقت يقينيه هستيد راه موافقت قطعیه همین است که ما عرض مي‌کنيم، اين اولاً.

ثانياً اشكال دوم اين است که ما از کجا در اینجا يقين داريم يا وضو واجب است يا تیمم؟ اگر کسي آمد گفت ممکن است شارع در مواردی که ما علم تفصيلي به طهارت آب يا طهارت تراب نداريم، شارع ما را ملحق به فاقد الطهورين قرار داده، وقتی اين چنين است اين علم اجمالي دوم از کجا آمد؟ اينکه ما مي‌دانيم يا وضو واجب است يا تیمم واجب است، از کجا؟ اگر ما علم تفصيلي پيدا کنيم، اینجا بحثي ندارد اما اينجايي که علم اجمالي داريم به اينکه يکي از اين دو تا نجس است وجوب وضو يا وجوب تیمم منتفي است و شاهد بر اين مدّعاي ما اين است، همان مثالي که ديروز هم عرض شد؛ اگر ما علم اجمالي داريم يکي از اين دو ظرف نجس است، آیا شما مي‌آئيد اینجا بگوئيد ما علم اجمالي داريم به اينکه وضو بر ما واجب است؟ شما وقتی علم اجمالي داريد به اينکه يکي از اين دو ظرف نجس است کسي هم نيامده فتوا بدهد که اول با يك ظرف آب وضو بگيرد و نماز بخواند و دومرتبه با يك ظرف آب ديگر وضو بگيرد و نماز بخواند، اینجا لعلّ بگوئيم انتقال به تیمم پيدا مي‌کند، کسي که علم اجمالي دارد يکي از اين دو ظرف نجس است، مگر نمي‌فرماييد اجتناب از هر دو لازم است، يعني شُرُيش جايز نيست و استفاده کردن و استعمالش هم جايز نيست! براي وضو هم نمي‌شود از ان استفاده کرد. اینجا هم انتقال به تیمم پيدا مي‌کند.

همانطوري که ما اگر علم تفصيلي پيدا کنيم اين ظرف آب نجس است، آنجا انتقال به تیمم پيدا مي‌کند اگر علم اجمالي پيدا کرديم يکي از اين دو ظرف آب نجس است، اینجا هم انتقال به تیمم پيدا مي‌کند، چرا اين حرف را در ما نحن فيه نزنيم؟ و حالا باز در همین مثال - اين نکته را هم عرض کنيم - اگر کسي تراب ندارد و اصلاً خاكي وجود ندارد و دو ظرف آب جلوي او هست و علم اجمالي دارد به اينکه يکي از اين دو تا نجس است، نتيجه‌اش اين مي‌شود که اين فاقد الطهورين است.

در ما نحن فيه هم ما مي‌خواهيم همین را عرض کنيم، کسي که علم اجمالي دارد که يا آب نجس است يا تراب، و اصالة الطهاره‌ي در هر کدام معارض با اصالة الطهاره‌ي در ديگري است چون فرض کرديم اين تراب غير از تیمم يك اثر شرعي در عرض آن ماء به نام جواز سجده دارد، اين اصالة الطهاره‌ها با هم تساقط و تعارض مي‌کنند، علم اجمالي منجز است، وقتی منجز شد يعني لا يجوز استعمال کلّ واحدٍ منهما، استعمالش جايز نيست. لذا روي مبناي مشهور در بحث علم اجمالي ما اینجا هم بايد بگوئيم اين مثل آنجايي است که علم اجمالي دارد يکي از اين دو ظرف آب نجس است، چطور در آنجا نمي‌توانيم بگوئيم بايد با هر دو تا وضو بگيرد بالأخره يکي از اين وضوها درست است، نمي‌شود اين را گفت، با اين احتمال ما نمي‌توانيم احراز طهارت کنيم، در باب طهارت حدثي احراز طهارت لازم است، اگر با آب اول وضو گرفت آن آب نجس بود مواضعش نجس مي‌شود، وضوي دومش هم به درد نمي‌خورد، اگر با آب اول که وضو گرفت واقعاً پاك باشد، وضویش درست است ولي باز بدنش نجس مي‌شود اگر با آب دوم وضو بگيرد.

به حسب قاعده وقتی ما روي مبناي مشهور - روي مبناي خودمان هم بايد بحث کنيم - که در باب علم اجمالي اجتناب از جميع اطراف را لازم می‌داند، بايد بگوئيم اين عنوان فاقد الطهورين را دارد و ديگر اين بحث که بگوئيم اول تیمم را انجام بدهد، يا اول وضو را انجام بدهد بحث درستي نيست. خود ما قائل شدیم به اينکه در اطراف علم اجمالي اصل عملي علي نحو التخيير جريان دارد، روي اين مبنا هم در آنجايي که علم اجمالي دارد يکي از اين دو تا نجس است، بايد با يکي از آنها وضو بگيرد و مسئله تمام شود، در يکي اصالة الطهاره را جاري کند و از ديگري اجتناب کند و وضو بگيرد و نماز بخواند، در اینجا که علم اجمالي دارد يا آب يا تراب نجس است روي اينکه اصل عملي به نحو تخيير جريان دارد يکي از اين دو تا را اختيار کند، فرقي هم نمي‌کند آب

باشد یا تراب! در یکی که اصالة الطهارة جاری کرد طهارتش را پیدا کند و نماز بخواند.

به نظر می‌رسد روی مبنای مشهور که اجتناب از جمیع اطراف را لازم می‌دانند، اینجا باید بگوئیم حکم فاقد الطهورین را دارد.

صورت دوم - علم اجمالی بر اینکه یا این آب غصبی است یا این تراب غصبی است:

فرع دوم در اینجا آنست که علم اجمالی داریم یا این آب غصبی است یا این تراب غصبی است؛ اولاً فرق بین این و آن مسئله‌ی نجاست این است که در مسئله نجاست فقط ما يك حکم وضعی داریم، عدم صحّت وضو، اگر آب نجس است و عدم صحّت تیمم اگر خاک نجس است، اما در اینجا که علم اجمالی داریم یا آب غصبی است یا تراب، حکم تکلیفی هم داریم؛ یعنی علاوه بر اینکه وضو صحیح نیست تصرف در مال غیر است و تصرف در مال غیر حرام است. اینجا باز مرحوم آقای خویی قدس سره می‌فرمایند دوران امر بین حرمة التصرف في أحدهما و وجوب استعمال احدهما است. دوران بین وجوب و حرمت است، می‌شود دوران بین محذورین، چطور دوران بین وجوب و حرمت است؟

يك طرف می‌گوئیم یکی از اینها که غصبی نیست استعمالش برای طهارت در نماز واجب است، پس می‌شود وجوب الاستعمال، از آن طرف یکی از اینها غصبی است، حرمت التصرف دارد، دوران می‌شود دوران بین محذورین و می‌فرمایند حالا که دوران بین محذورین شد «لا يمكن تحصيل الموافقة القطعية إلا بالمخالفة القطعية»، موافقت قطعیّه امکان ندارد مگر اینکه انسان مخالفت قطعیّه هم بکند! یعنی این از آن مواردی است که موافقت قطعی با مخالفت قطعی هر دو ملازم یکدیگر است، اگر بخواهید موافقت قطعی کنید مخالفت قطعی هم کردید، اگر هر دو را انجام دهید، هم با آب وضو بگیرید و هم با خاک تیمم کنید، یقین دارید موافقت کردید، چون یکی از آنها که غصبی نبوده و طهارت درست است، و در مقابل یقین دارید که مخالفت کردید چون حرامی را مرتکب شدید، آن وقت می‌فرمایند در جایی که موافقت قطعیّه تحصیلش امکان ندارد مگر با وجود مخالفت قطعیّه، عقل دیگر موافقت قطعیّه را لازم نمی‌داند، موافقت احتمالی را لازم می‌داند. می‌فرمایند اینجا نوبت به موافقت احتمالی می‌رسد.

چون موافقت احتمالی شد حالا می‌گوئیم یکی از این دو را انجام بدهد کافی است، اینجا هم بحث اینکه اول وضو و دوم تیمم یا بالعکس مطرح نیست، چون بحث نجاست که اینجا در کار نیست! لذا دوران بین محذورین است، موافقت احتمالیّه کافی است، یکی از اینها را بردارد و با آن طهارت را تحصیل کند، یا وضو بگیرد یا تیمم کند اختیار با خود شخص است و تعینی در اینجا وجود ندارد.

صورت سوم دو فرض دارد، علم اجمالی دارد یا این آب نجس است و تراب غصبی است یا آب غصبی است و تراب نجس است، که حالا روی این تأملی بفرمایید ان شاء الله فردا ذکر می‌کنیم.

و صلي الله علي محمد و آله الطاهرين